

بررسی روش‌ها و فنون تدریس از منظر قرآن کریم

عبدالله رحیمی^{۱*}، ابوالحسن بهمنی قائدی^۲، سعید صفی شلمزاری^۳

A. Rahimi^{1*}, A. Bahmanighaedi², S. Safishalamzari³

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۲۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۰۶

Received Date: 2019/11/27

Accepted Date: 2020/06/11

چکیده

هدف: هدف از این مطالعه شناسایی و جمع‌بندی شیوه‌های تدریس در فرایند تعلیم و تربیت از دیدگاه قرآن کریم بود.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی - استنتاجی بوده و با مراجعه به کتب و منابع در دسترس و معتبری که حاوی مطالب موردنظر در ارتباط با موضوع است، اطلاعات لازم استخراج گردیده است. در این پژوهش منبع اصلی قرآن کریم بود و سایر کتب از جمله تفاسیر مرتبط با قرآن، منابع ثانویه محسوب گردیدند. در پژوهش حاضر، آزمون‌های آماری به کار برده نشده است. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها عمدتاً براساس استنتاج یا استدلال انجام گرفت. جمع‌آوری اطلاعات، به صورت فیش‌برداری از آیات قرآن کریم و ترجمه آیات، کتب تفسیر، کتب تعلیم و تربیت اسلامی و کتب روش‌های تدریس و مقالات تربیتی تهیه شده در این زمینه، انجام یافته و سپس براساس سؤالات مطرح شده در پژوهش، مورد شناسایی و طبقه‌بندی قرار گرفته است.

نتایج: نتایج پژوهش حاکی از آن بود که روش‌های تفکر، پرسش و پاسخ، مباحثه، ایفای نقش، یادسپاری، گردش علمی و تفحص گروهی، نمایشی، آزمایشگاهی و همچنین استفاده از مثل و تشبیه، قصه‌گویی، تذکر و موعظه و تبشیر و انذار از جمله روش‌ها و تکنیک‌های به کار رفته در قرآن کریم است؛ که از بین آن‌ها، روش‌های پرسش و پاسخ، مباحثه، استفاده از مثل و تشبیه و داستان‌گویی بیشتر از سایر روش‌ها مورد تأکید بوده است.

کلید واژه‌ها: آیات تربیتی قرآن کریم، روش‌های تدریس، فنون تدریس.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانش آموخته ارشد مدرسی معارف دانشگاه اصفهان، ایران

۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهرکرد، ایران

* نویسنده مسئول:

مقدمه و بیان مسئله

قرآن کریم در طول تاریخ علم و تمدن اسلام، همواره منبع مهم تحقیق و پژوهش برای اندیشمندان اسلامی بوده است و از این رهگذر، علوم و رشته‌های متعددی پایه‌گذاری شده و درگذر زمان به رشد و بالندگی رسیده‌اند. همچنین این کتاب، مهم‌ترین معیار برای سنجش و قضاوت در مورد علمی بوده است که از طریق ترجمه یا غیر آن به جامعه‌ی اسلامی راه‌یافته‌اند (Abbas Nejad, 2006). این کتاب الهی، می‌تواند بشریت را در هر زمانی به صراط مستقیم رهنمون گردد و به همه‌ی طبقات جامعه‌ی انسانی در هر سن و سالی رهنمودهای انسان‌ساز ارائه دهد. لذا بشر برای درمان تمام آلامی که زندگانی انسانی و معنوی او را تهدید می‌کند، ناگزیر است به قرآن پناه آورد تا هدف والا و ایده‌های عالی خود را تحقق بخشد. یکی از مهم‌ترین روش‌های قرآن در هدایت بشر، واداشتن وی به تفکر و اندیشیدن است؛ به‌طوری‌که در این کتاب آسمانی اندیشیدن از اوصاف خردمندان به شمار آمده است:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان وجود دارد (آل عمران/۱۹۰).

یکی دیگر از سنت‌های تربیتی الهی در این کتاب، این است که بشر را از راه نشان دادن طریق و روش، به سوی سعادت حیاتش هدایت می‌کند. به بیان علامه‌ی طباطبایی (ره) (1984). «بر خداوند لازم و واجب است سبیل قاصد و راه مستقیم را برای بندگانش معین کند تا آن راه، ایشان را به سعادت و رستگاری بکشاند». خداوند متعال در قرآن شریف که کتاب هدایت و تربیت است، روش‌های متعددی را برای تربیت انسان سفارش کرده است. از روش تحول باطن از طریق اعطای بینش و دعوت به ایمان و روش تغییر ظاهری برای ایجاد تحول درونی گرفته تا روش مناظره و مباحثه و موعظه و روش عملی و گفتاری، در قرآن شریف مورد تأکید قرار گرفته است (naghdi, 2010). با توجه به این مهم که تعلیم و تربیت در سرنوشت جامعه و در تمام مراحل پیشرفت آن سهیم بوده و خود نیز همواره گسترش یافته است و همچنین حامل و ناقل شریف‌ترین آرمان‌های بشری بوده و پیوندی ناگسستنی با بزرگ‌ترین پیروزی‌های جوامع بزرگ تاریخ بشر داشته است؛ لذا لازم است با توجه به موقعیت و شرایط حاکم بر تعلیم و تربیت، روش مناسبی به کمک قرآن کریم برگزیده شود تا اهداف مطلوب در جریان آن میسر گردد. انتخاب روش‌های مناسب تدریس موجب می‌شود که معلمان به‌جای اینکه وقت کلاس را صرف انتقال اطلاعات و یادآوری آن‌ها کنند، چهارچوبی را انتخاب نمایند که موجب تقویت علاقه‌ی دانش‌آموزان، چالش فرایندهای فکری و ایجاد فضایی شود که در آن محتاط و انفعالی بودن جای خود را به تفکر فعال و تبادل نظر دهد (Safavi, 2014).

می‌توان گفت، تدریس فعالیتی است که در کانون و نقطه تلاقی همه عناصر آموزشی و به‌مثابه نیروی محرکه فرآیند رسمی یادگیری است. برای تدریس موضوعات گوناگون روش‌های تدریس مناسب نیاز است که این امر طی سالیان دراز توسط محققین علوم پرورشی مورد پژوهش قرار گرفته و ده‌ها روش برای آن ارائه شده است. بی‌شک این مهم از جانب حضرت باری تعالی به حد اعلا‌ی خود در

ارائه آموزه‌های قرآن کریم رعایت و از برترین روش‌ها برای این کار استفاده شده است. اصل مهم در تعلیم و تربیت این است که با توجه به موقعیت، افراد و مسائل، از روش‌های مختلف استفاده گردد و کار علم این است که به فراگیر کمک کند تا به لایه‌های ساده تا پیچیده‌ی علم دست پیدا کند (Mehr Mohammadi and moafi, 2014). از طرف دیگر با توجه به تغییر و تحولات جهان، نظام تعلیم و تربیت برای اینکه بتواند در چنین شرایطی خودش را حفظ کند و همچنان پویا و پابرجا بماند، نیاز است که خود را از روش‌های ایستا خارج کند و نیازهایش را متناسب با دگرگونی‌های محیطی وفق دهد. اگر نظام تربیتی بدون توجه به شرایط محیط خواهد برای همیشه از روش‌های معینی استفاده کند خودش شرایط نابودی خودش را فراهم کرده است (Fotoohi, 2012).

بنابراین، قرآن که برای تعلیم و تربیت انسان از جانب خداوند بر او ارزانی شده است؛ حاوی روش‌های گوناگونی در باب تعلیم و تربیت است که در جهت شکوفایی و رشد فطرت آدمی به کار رفته است؛ چراکه قرآن زبان فطرت است و با دل انسان سخن می‌گوید و می‌خواهد او را از درون متحول سازد. بدین منظور، از روش‌های متعدد شناختی، عاطفی و رفتاری استفاده کرده است که می‌توان آن‌ها را به روش‌های شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم کرد (Motahari, 1983). در تعلیم و تربیت اسلامی روش‌های تربیتی قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا موضوع تربیت اسلامی «انسان» و به‌ویژه فراگیران است، با همه‌ی معانی، استعدادها و نحوه‌ی نگرشی که دارد. به نظر اسلام، در طبیعت انسان هر استعدادی که یافت می‌شود برای زندگی آفریده شده است. لذا نظام تعلیم و تربیت باید از ابتدا تا انتهای دوره‌ی تربیت، این استعدادها را مورد توجه قرار دهد و آن‌ها را تقویت نماید، رشد دهد و مواظبت کند تا به کمال خود رسیده و ثمر دهد (Abbas Nejad, 2010).

از این رو، با توجه به اهمیت روش‌های تدریس در تربیت انسان فکور، خلاق و کارآمد و ضرورت توجه به قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع روش‌های تربیتی اصیل اسلامی، این سؤال مطرح می‌شود که: روش‌های تدریس در قرآن مجید چه جایگاهی دارد؟ و خداوند متعال در این روش‌ها چه فنونی را به کار برده است؟ از این رو مسئله‌ی اصلی در این پژوهش بررسی جایگاه روش‌های تدریس در آیات شریف قرآن کریم و شناسایی فنون به‌کاررفته در آن‌ها است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با شیوه‌ی توصیفی - استنتاجی به بررسی و تبیین جایگاه روش‌های تدریس در قرآن کریم می‌پردازد. این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی است. در این پژوهش منبع اصلی قرآن کریم بود و سایر کتب از جمله تفاسیر مرتبط با قرآن، منابع ثانویه محسوب گردیدند. در پژوهش حاضر، آزمون‌های آماری به کار برده نشده است، شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها عمدتاً براساس استنتاج یا استدلال انجام گرفت. جمع‌آوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری از آیات قرآن کریم و ترجمه آیات قرآن، کتب تفسیر، کتب تعلیم و تربیت اسلامی و کتب روش‌های تدریس و مقالات

تربیتی تهیه شده و همچنین تمام آیات در کل قرآن کریم که دارای ویژگی‌ها و یا شاخص‌های روش‌های تدریس می‌باشند، انتخاب و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. جامعه‌ی پژوهش در این تحقیق، مجموعه آیاتی از قرآن است که در آن‌ها روش‌های تدریس به کار رفته است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به هدف اصلی پژوهش که «شناسایی جایگاه روش‌های تدریس در قرآن کریم» است، یافته‌های مربوط به پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد. روش‌های اشاره شده در این پژوهش، عبارتند از: دعوت به تفکر روش پرسش و پاسخ، روش یادسپاری، روش مباحثه، روش ایفای نقش، روش گردش علمی و تفحص گروهی، روش نمایش، روش آزمایشگاهی، روش مبتنی بر تذکر و موعظه، روش مثل و تشبیه، روش تبشیر و انذار، روش مبتنی بر قصه‌گویی.

۱- تفکر یکی از روش‌های مهم تدریس در قرآن کریم

یکی از مواهب ارزشمندی که خالق هستی به انسان‌ها ارزانی داشته، قدرت تفکر است، تفکر فصل ممیز انسان از حیوان‌های دیگر است و به او این امکان را می‌دهد که با استفاده از ابزارها و مقدمات لازم، به شناخت خود و واقعیت‌های هستی بپردازد، باورهای خود را رقم بزند، رفتارها و سلوک این جهانی خود را براساس آن سامان دهد و سیر تکاملی خود را بر آن بنیان نهد. بی‌گمان قرآن کریم که نسخه کامل و بی‌بدیل هدایت آدمیان به قله‌های کمال و سعادت است، نمی‌تواند از توجه جدی به این ویژگی مهم انسان بگذرد. با بررسی آیات وحی، این حقیقت به دست می‌آید که قرآن، افزون بر آنکه مردم را به تفکر فرا می‌خواند و اهمیت آن را در زندگی انسان متذکر می‌شود، مسیر، منابع، لغزشگاه‌ها و نتایج تفکر صحیح را نیز به آن‌ها معرفی می‌کند. براین اساس، قرآن کریم یک نظام معین و منطقی را در باب تفکر ارائه می‌دهد که هرکدام از اجزای آن در جای خود قرار گرفته، از آغاز، انجام و سیر مشخصی تبعیت می‌کند (Kalantari, 2007).

بنابراین استفاده گسترده‌ای از تفکر را در قرآن کریم مشاهده می‌کنیم. نمونه‌ای از به‌کارگیری مفهوم تفکر را می‌توان در فرازی از قرآن کریم در سوره‌ی اعراف دید. خداوند در این آیه، در خطاب به کسانی که پیامبر (ص) را به جنون متهم می‌کنند، می‌فرماید:

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿اعراف/ ۱۸۴﴾

آیا تفکر نمی‌کنند که رفیق و دوست آن‌ها (پیامبر ص) هیچ جنونی ندارد؟ او نیست جز بیم

دهنده‌ای آشکار (اعراف/ ۱۸۴).

در فراز دیگری نیز انکار لقای پروردگار، به نداشتن تفکر افراد منکر نسبت داده شده است.

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ﴿روم/ ۸﴾

آیا در خودشان نمی‌اندیشند که خداوند زمین و آسمان و بین آن دو را جز به حق نیافریده است و اجل و مدتی معین است. در حالی که بسیاری از مردم، هر آینه به لقاء پروردگارشان کافرند. (روم / ۸)

در آیات ۵۳ الی ۵۲ سوره مبارک نحل، خداوند نعمت‌های مختلف خود را نشانه‌هایی برای اهل تفکر و تعقل و تذکر بیان کرده و در آیه‌ی ۵۸ این‌چنین از این بحث‌ها نتیجه‌گیری نموده است:

يُنَبِّئُكُمْ بِهَ الزَّرْعِ وَالزَّيْتُونِ وَالنَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿نحل/ ۱۱﴾

(خداوند) با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور و از همه‌ی میوه‌ها می‌رویانند؛ به یقین در این، نشانه‌ی روشنی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. (نحل / ۱۱).

وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنَّجْمُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿نحل/ ۱۲﴾

او شب و روز و خورشید و ماه را برای شما مسخر کرد؛ و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شمايند؛ در این، نشانه‌هایی است (از عظمت خدا) برای گروهی که تعقل می‌ورزند (نحل/ ۱۲).

۲- روش پرسش و پاسخ در قرآن کریم

«روش پرسش و پاسخ» یکی از روش‌های آموزشی است که سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. در این روش، معلم به‌طور مستقیم به تدریس مطالب نمی‌پردازد، بلکه با طرح چند سؤال و بهره‌گیری از معلومات فراگیران، ذهن آنان را به مطلب موردنظر رهنمون می‌شود و آنان را برای رسیدن به مجهول، به تلاش و تفکر وامی‌دارد. در واقع، آموزش به روش پرسش و پاسخ یکی از روش‌هایی است که در قرآن و سنت در موضوعات گوناگون و از جمله در آموزش توحید، از آن استفاده شده است (Khaddam, 2010).

بنابراین، روش پرسش و پاسخ از جمله روش‌های استفاده شده در قرآن کریم، برای اثبات توحید، معاد، نبوت و آموزش نکات اخلاقی و احکام است. به‌عنوان مثال: خداوند در آیه‌ی ۲۵۹ سوره بقره، معاد را این‌چنین به عزیز نبی، بعد از خواب یک‌صد ساله، به روش پرسش و پاسخ نمایانده است:

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِئَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِئَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿بقره/ ۲۵۹﴾

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران‌شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقف‌ها فروریخته بود، (و اجساد و استخوان‌های اهل آن، در هر سو پراکنده بود؛ او با خود) گفت: «چگونه خدا این‌ها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟!» (در این هنگام) خدا او را یک‌صد سال می‌میراند؛ سپس زنده کرد؛ و به او گفت: «چه قدرنگ کردی؟» گفت: «یک روز؛ یا بخشی از یک روز.» فرمود: «ته بلکه یک‌صد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سال‌ها) هیچ‌گونه تغییر نیافته است! (خدایی که این‌چنین مواد فاسدشدنی را در طول این مدت، حفظ

کرده، بر همه چیز قادر است.) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست و هم) برای اینکه تو را نشانه‌ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوان‌های (مرکب سواری خود) نگاه کن که چگونه آن‌ها را برداشته، به هم پیوند می‌دهیم و گوشت بر آن می‌پوشانیم! « هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می‌دانم خدا بر هر کاری تواناست.» (بقره/۲۵۹)

خداوند متعال در آیه‌ی ۱۹ سوره انعام به پیامبر (ص) می‌فرماید به روش پرسش و پاسخ، این چنین براثت از مشرکین نماید:

قُلْ أَى شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَنتُمْ لَتَسْتَهْدُونَ أَنْ مَعَ اللَّهِ إِلَهٌ آخَرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ﴿انعام/ ۱۹﴾

بگو بالاترین گواهی، گواهی کیست؟ بگو خداوند گواه میان من و شما است و بهترین دلیل آن این است که این

قرآن را بر من وحی کرده تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آن‌ها می‌رسد انذار کنم (و از مخالفت فرمان خدا بترسانم) آیا به راستی شما گواهی می‌دهید که خدایان دیگری با خدا است؟ بگو من هرگز چنین گواهی نمی‌دهم او است خداوند یگانه‌ی یکتا و من از آنچه برای او شریک قرار داده‌اید بیزارم. (انعام/ ۱۹).

۳- روش یادسپاری در قرآن کریم

الگوی تدریس یادسپاری براساس آموزش راهبردهای به حافظه سپاری، به فراگیران کمک می‌کند تا اطلاعات در حافظه درازمدت آن‌ها ذخیره شود. مربی با به‌کارگیری این الگو و آموزش مراحل آن به فراگیران، یادسپاری مطالب را برای آنان تسهیل می‌کند. این الگو شامل چهار مرحله، توجه به مطالب درسی، ایجاد ارتباطات، بسط تصاویر حسی و تمرین یادآوری است (Athar, Haghjoe Joymand, (Haqqani, 2014).

خداوند متعال در کل قرآن، از کلمات موزون و مسجع استفاده نموده است، به طوری که این نحوه‌ی نگارش با پیوستگی کلمات و معانی در هیچ کتابی یافت نمی‌شود؛ حتی در نهج البلاغه که از آن به‌عنوان برادر قرآن نام برده‌اند. به‌عنوان مثال می‌توان به سوره مدثر اشاره نمود: یا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ - قُمْ فَأَنْذِرْ - وَ رَبِّكَ فَكَبِّرْ - وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ (آیات ۱ الی ۴) یا آیات ۸ و ۹ و ۱۰ سوره بلد که می‌فرماید: أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ - وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ - وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ و ... این نوع نگارش، یکی از دلایل معجزه بودن این کتاب آسمانی است که یادسپاری آن را آسان نموده است. در آیات دیگری از قرآن نیز خداوند، از یادسپاری به‌عنوان روش آموزش و تعلیم استفاده نموده است. به‌عنوان مثال، در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره بقره در رابطه با تعلیم اسماء (نام تمامی آنچه در عالم هستی است) به حضرت آدم (ع) چنین آمده است:

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣١﴾
 سپس علم اسماء (علم اسرار آفرینش و نام‌گذاری موجودات) را همگی به آدم آموخت. بعد آن‌ها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می‌گویید، اسامی این‌ها را به من خبر دهید.» (بقره/ ۳۱)
 قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾
 (فرشتگان) عرض کردند: «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای، نمی‌دانیم؛ همانا تو دانا و حکیمی» (بقره/ ۳۲)

هدف نهایی الگوی تدریس یادسپاری اطلاعات، آموزش شیوه‌ی صحیح معنادار کردن اطلاعات دریافتی و انبار کردن اطلاعات در حافظه و انتقال مطلوب آن‌هاست (ادیب نیا، ۱۳۸۹).
 - و علم آدم الاسماء کلها (و آموخت به آدم تمام اسماء را): الگوی تدریس یادسپاری اطلاعات
 - ثم عرضهم علی الملائکه (سپس نشان داد آن‌ها را بر فرشتگان): پیش از یادسپاری هر چیزی ما باید بر آن‌ها توجه داشته باشیم یا بر آن متمرکز شویم. مشاهده (استفاده از تمام حواس برای کسب اطلاعات درباره‌ی اشیاء، رخدادها و ...) برای کسب آگاهی اولیه بسیار ضروری است. بنا به گفته‌ی لوریان و لوکاس هر چیزی که نسبت به آن آگاهی لازم را به دست آوریم، فراموش نخواهیم کرد (Adib Nia, 2010).

۴- روش مباحثه (بحث گروهی) در قرآن

تدریس به شیوه بحث گروهی یکی از روش‌هایی آموزشی فراگیر محور است که با استفاده از این شیوه، فراگیران فعالانه در مباحث شرکت نموده و به آنان فرصت داده می‌شود تا نظرات و تجربیات خود را با دیگران در میان بگذارند. تدریس به شیوه بحث گروهی، قدرت انتقاد را در فراگیران رشد می‌دهد. در این روش قدرت بیان فراگیر تقویت می‌شود و در نهایت تحمل و سعه‌صدر او در شنیدن نظرهای متفاوت بیشتر می‌شود و از طریق همکاری با دیگران مهارت‌های تعامل و تبادل نظر با دیگران را کسب کرده همچنین این روش باعث افزایش اعتمادبه‌نفس و کاهش خجالت و کمروبی در فراگیران شود (Tony and Yousefi, 2013).

در معارف اسلامی نیز، روش مباحثه، به‌عنوان یک روش مهم تعلیم و تربیت پذیرفته شده است؛ و بعضی از آیات و روایات به آن اشاره دارند. خداوند در آیه ۱۲۹ سوره نحل می‌فرماید:
 ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ... ﴿١٢٩﴾
 مردم را با حکمت و استدلال و اندرز شایسته و نیز با بهترین روش مباحثه و مناظره به راه پروردگار فراخوان؛ و حضرت امام باقر (ع) می‌فرماید: «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْيَى الْعِلْمِ، فَقِيلَ: وَ مَا أَحْيَاءُ؟ قَالَ: إِنَّ تَذَاكِرَهُ بِهٖ اَهْلُ الدِّينِ وَ الْوَرَعِ^۱» «خداوند بیامرزد بنده‌ای را که دانش را زنده کند. سؤال شد:

زنده کردن دانش چگونه است؟

فرمود: به مذاکره و مباحثه با دینداران و پارسایان».

علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور می‌فرماید: «ترتیب حکمت، موعظه و مناظره از حیث افراد است به این معنی که: چون همه‌ی اقسام حکمت پسندیده است در اول ذکر شده است و سپس موعظه که دو نوع پسندیده و ناپسند دارد، ذکر شد که آیه شریف موعظه‌ی پسندیده را سفارش کرد؛ و در پایان مناظره و مباحثه ذکر گردید که سه قسم است: ناپسند، پسندیده و پسندیده‌تر؛ و خداوند متعال تنها قسم سوم آن را توصیه کرده است.^۱

در آیات بسیاری از قرآن، خداوند حکیم از روش مباحثه برای هدایت مشرکان و گمراهان استفاده کرده است. به‌عنوان مثال، در آیات ۱۹۱ الی ۱۹۵ سوره اعراف قرآن روش بحث و گفتگو را با مشرکان به‌کار برده و برای آن‌ها دلایل عقلی - که بطلان بت‌پرستی را ثابت می‌کند- آورده است تا نیروی تفکر آنان درباره‌ی خدایانشان را برانگیزاند و آن‌ها را در خصوص پستی و حقارت و ناتوانایی بت‌ها قانع سازد تا برایشان روشن شود که بت‌ها سزاوار خداوندی نیستند.

أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئاً وَ هُمْ يُخْلَقُونَ (اعراف/ ۱۹۱)

آیا موجوداتی را همتای او قرار می‌دهند که چیزی را نمی‌آفرینند و خودشان مخلوقند. (اعراف/ ۱۹۱)
وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَ لَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ (اعراف/ ۱۹۲)

و نمی‌توانند آنان را یاری کنند و نه خودشان را یاری می‌دهند. (اعراف/ ۱۹۲)

وَ إِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سِوَاءَ عَلَيِّكُمْ أَدْعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ (اعراف/ ۱۹۳)

و هر گاه آنان را به‌سوی هدایت دعوت کنید، از شما پیروی نمی‌کنند؛ و برای شما یکسان است چه آنان را دعوت کنید و چه خاموش باشید. (اعراف/ ۱۹۳)

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالِكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (اعراف/ ۱۹۴)
همانا کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگانی همچون خود شما هستند؛ آن‌ها را بخوانید و اگر راست می‌گویید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایان را بر آورند). (اعراف/ ۱۹۴)

۵- روش ایفای نقش در قرآن کریم

ایفای نقش یکی از روش‌های آموزشی است که به‌طور گسترده برای آموزش مهارت‌های ارتباطی استفاده می‌شود. در این روش فرد خود را در موقعیت موردنظر قرار می‌دهد و آن‌گونه که لازم است رفتار می‌کند. به‌این‌ترتیب او چگونگی برخورد با موقعیت‌ها و مشکلات موجود در این شرایط خاص را می‌آموزد. با استفاده از این روش آموزشی مهارت‌های مصاحبه‌بیمار محوری تقویت شده و فراگیر در شرایط حقیقی قرار می‌گیرد. در ایفای نقش چهار عنصر تفکر، احساسات، بصیرت و عملکرد درگیر

۱. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۳۷۳.

هستند و این عوامل در کنار هم باعث افزایش تأثیر ایفای نقش در آموزش ارتباطات می‌شود (Managheb & Mosalanejad, 2011).

– چند نمونه از روش ایفای نقش در آیات قرآن کریم
در سوره «یوسف» در آیه ۲۶ نیز یوسف برای نگهداشتن برادرش بنیامین در نزد خود، از روش ایفای نقش

استفاده کرده است؛ به طوری که به اراده‌ی خدا به بنیامین نقش یک دزد را داده است:
فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أُخِيهِ ثُمَّ أَدْنَىٰ أَيْتَهَا الْعِيبِرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ﴿٧٠﴾
پس هنگامی که (مأمور یوسف) بارهای آن‌ها را بست، ظرف آبخوری پادشاه را داخل بار برادرش گذاشت؛ سپس کسی صدا زد: «ای اهل قافله! شما دزد هستید.» (یوسف/ ۷۰)

قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقَدُونَ ﴿٧١﴾
آن‌ها (برادران یوسف) رو به ایشان (مأموران) کردند و گفتند: «چه چیز گم کرده‌اید؟» (یوسف/ ۷۱)
قَالُوا نَفَقْدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ﴿٧٢﴾
گفتند: «پیمان‌های پادشاه را و هر کس آن را بیاورد، یک‌بار شتر (غله) به او داده می‌شود و من ضامن این

(پاداش) هستم.» (یوسف/ ۷۲)
قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ﴿٧٣﴾
گفتند: «به خدا سوگند شما می‌دانید ما نیامده‌ایم که در این سرزمین فساد کنیم؛ و ما (هرگز) دزد نبوده‌ایم!» (یوسف/ ۷۳)

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ ﴿٧٤﴾
آن‌ها گفتند: «اگر دروغگو باشید کیفرش چیست؟» (یوسف/ ۷۴)
قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وَجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٧٥﴾
گفتند: «هر کس (آن پیمان‌ه) در بار او پیدا شود، خودش کیفر آن خواهد بود؛ (و به خاطر این کار، برده شما

خواهد شد)؛ ما این‌گونه ستمگران را کیفر می‌دهیم.» (یوسف/ ۷۵)
فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أُخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أُخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾
در این هنگام، (یوسف) قبل از بار برادرش، به کاوش بارهای آن‌ها پرداخت؛ سپس آن را از بار برادرش بیرون آورد؛ این‌گونه راه چاره را به یوسف یاد دادیم. او هرگز نمی‌توانست برادرش را مطابق آیین پادشاه (مصر) بگیرد، مگر آنکه خدا بخواهد. درجات هر کس را بخواهیم بالا می‌بریم؛ و برتر از هر صاحب علمی، عالمی است (یوسف/ ۷۶).

۶- دعوت به گردش علمی و تفحص گروهی در تاریخ

گردش علمی به فراگیران امکان می‌دهد که از طریق مشاهده طبیعت، وقایع، فعالیت‌ها، اشیاء و مردم تجزیه علمی به دست آورد. در گردش علمی و تفحص گروهی فراگیران با مشاهده واقعیت‌ها می‌توانند مفاهیمی را که در کلاس مورد بحث قرار می‌گیرد، بهتر در ذهن خود بپروراند و مربی می‌تواند با استفاده از این شیوه کنجکاوی فراگیران را درباره موضوعی خاص برانگیزد. در بعضی موارد، می‌توان از گردش علمی برای جمع‌آوری اطلاعات لازم برای انجام گرفتن آزمایش، یا یک پروژه، بهره گرفت (Shabani, 2016).

ماده «انظروا» از ریشه‌ی «نظر» به معنی شناختی که پس از تفحص و تأمل به دست می‌آید، است و به معنی مطالعه‌ی علمی و سنجش و قیاس یک پدیده است. در همه‌ی آیاتی که درباره‌ی تاریخ آمده این کلمه دیده می‌شود؛ بنابراین باید در تاریخ تأمل کرد، مقایسه کرد، سنجش کرد و آنگاه دقت و تحلیل کرد. از مجموعه‌ی این ابزار، مطالعه‌ی علمی تاریخ میسر است و راه‌های «عبرت‌آموزی و کشف قانون عام» به دست می‌آید (Saghafi, 1999).

قرآن کریم بارها مخاطبین خود را به سیر و گردش در روی زمین و مطالعه‌ی تاریخ فراخوانده است به‌عنوان مثال، در آیه ۳۶ سوره نحل می‌خوانیم:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٣٦﴾

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید.» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود. (نحل / ۳۶)

همچنین در آیه ۱۱ سوره انعام آمده است:

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿١١﴾

بگو: «روی زمین گردش کنید؛ سپس بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان آیات الهی چه شد؟!» (انعام / ۱۱)

در آیه ۶۹ سوره نمل نیز می‌فرماید: «در زمین گردش کنید پس ببینید عاقبت کار مجرمان به کجارسید؟!»

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٦٩﴾

در آیه ۸۲ غافر و ۴۴ فاطر نیز به‌صورت پرسشی، مخاطبین خود را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَرًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ آیا روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند چه شد؟! همان‌ها که نفراتشان از این‌ها بیشتر و نیرو و آثارشان در زمین فزون‌تر بود؛ اما هرگز آنچه را به دست می‌آوردند نتوانست آن‌ها را بی‌نیاز سازد (و عذاب الهی را از آن‌ها دور کند). (غافر / ۸۲)

۷- روش آزمایشگاهی در قرآن کریم

این روش، باعث افزایش فهم اجتماعی، مهارت، توانایی یادگیری و تقویت کار گروهی در فراگیران می‌شود. مربی در این الگو نقش مشاور را ایفا نموده و فراگیران را حمایت می‌نماید. در نهایت منجر به تقویت یادگیری و آموزش در بستر پژوهش در آن‌ها می‌شود. اساس این روش بر اصول یادگیری اکتشافی استوار است. در این روش، موقعیت و شرایطی فراهم می‌شود تا شاگردان خود از طریق آزمایش به پژوهش بپردازند و جواب مسئله را کشف کنند. این روش، فعالیتی است که در جریان آن، شاگردان عملاً با به‌کاربردن وسایل و تجهیزات و مواد خاص درباره مفهومی خاص تجربه کسب می‌کنند (Sangari, 2004).

خداوند در آیه ۲۶۰ سوره بقره در برابر درخواست حضرت ابراهیم (ع)، این چنین معاد را به او نشان

می‌دهد:

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولَٰئِكَ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: «خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟!» عرض کرد: «چرا، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد.» فرمود: «در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن؛ و آن‌ها را (پس از ذبح کردن) قطعه‌قطعه کن (و در هم بیامیز)؛ سپس بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده؛ بعد آن‌ها را بخوان، به سرعت سوی تو می‌آیند؛ و بدان خداوند قادر و حکیم است؛ (هم از ذرات بدن مردگان آگاه است و هم توانایی بر جمع آن‌ها دارد.)» (بقره / ۲۶۰)

۸- روش نمایشی در قرآن

این روش بر مشاهده و دیدن استوار است. افراد مهارت‌های خاصی را از طریق دیدن فرا می‌گیرند. به‌عنوان مثال مربی در کارگاه آموزشی تصمیم دارد کار کردن با یک وسیله را به کارآموزان یاد دهد، از طریق این روش می‌تواند عمل کند. مهم‌ترین حسن این روش، به‌کارگیری اشیای حقیقی و واقعی در آموزش است و بیشتر برای درس‌هایی که جنبه عملی و فنی دارند کاربرد دارد (Shabani, 2016). از جمله آیاتی که یکی از روش‌های تدریس به‌کار رفته در آن روش نمایشی است، آیه ۲۵۹ سوره بقره است که خداوند معاد را با به‌هم پیوستن استخوان‌های چهارپای عزیز نبی به نمایش گذاشته است:

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِثَّةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِثَّةَ عَامٍ فَنَظَرُ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَنَظَرُ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَنَظَرُ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، درحالی که دیوارهای آن، به روی سقفها فروریخته بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در هر سو پراکنده بود؛ او با خود) گفت: «چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟!» (در این هنگام) خدا او را یکصد سال میراند؛ سپس زنده کرد؛ و به او گفت: «چه قدرنگ کردی؟» گفت: «یک روز؛ یا بخشی از یک روز». فرمود: «ته بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سالها) هیچ‌گونه تغییر نیافته است! (خدایی که این چنین مواد فاسدشدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است). ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست و هم) برای اینکه تو را نشانه‌ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوانها (ی مرکب سواری خود) نگاه کن که چگونه آن‌ها را برداشته، به هم پیوند می‌دهیم و گوشت بر آن می‌پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می‌دانم خدا بر هر کاری تواناست.» (بقره/۲۵۹)

در این آیه پیرامون معاد گفتگو می‌شود که هدایت از طریق نمایش و به صورت محسوس و عملی صورت می‌گیرد (Gharaati, 1997).

۹- روش مبتنی بر تذکر و موعظه

روش موعظه و تذکر، به مثابه یک روش تربیتی تأثیرگذار، همواره شیوه‌ای قدیمی و مرسوم در سنت‌های دینی است که برای تأثیرهای روانی و معنوی از آن سود می‌بردند. یکی از عمده‌ترین شیوه‌های عمومی پیامبر استفاده از وعظ برای راهنمایی مردم بود، به ویژه پیامبر برای صحابه‌ای که به لحاظ شناخت و عواطف به ایشان نزدیک‌تر بودند، از این روش استفاده می‌کرد؛ بنابراین، موعظه نیز که گونه‌ای یادآوری است، برای طراوت و شادابی دانش، نافع است و در شنیدن و یادآوری تأثیری است که در دانستن نیست. به همین دلیل، قرآن یادآوری را برای اهل ایمان نافع و اثربخش می‌داند (Bagheri, 2014).

«یادآوری» علاوه بر اهمیتی که در زندگی علمی و عملی انسان دارد، از نظر دینی نیز حائز اهمیت فراوانی است. به طور مثال، دائماً به یاد خدا بودن و یادآوری تفضلات و نعمت‌های فراوانی که خداوند عطا فرموده است و نیز یادآوری آخرت و روز جزا و پاداش و کیفری که در انتظار انسان است، دارای اهمیت فراوانی است، زیرا انسان را به تقوا و عمل صالح و آراسته شدن به فضایل اخلاقی وا می‌دارد؛ بنابراین، تذکر و یادآوری برای انسان و برای تحقق یافتن خیر و نیکی، سودمند است. قرآن کریم در بسیاری از آیات، مردم را به یاد خدا تشویق کرده است؛ و نظیر عبارات زیر، در قرآن بسیار تکرار شده است:

«أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» (پس آیا متذکر نمی‌شوید؟! «قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ» (کم است آنچه متذکر می‌شوید.)، «لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (شاید متذکر شوند!) «أَفَلَا يَذَكَّرُونَ» (پس آیا متذکر نمی‌شوید؟! «لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ» (شاید متذکر شوند!) «وَلْيَتَذَكَّرْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (تا صاحبان خرد و اندیشه پند گیرند، «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ

اولوالالباب» (تنها خردمندان متذکر می‌شوند)، «وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (به‌جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود) (عباس نژاد، ۱۳۸۴).

قرآن بنابه قول خودش، کتاب تذکر می‌باشد؛ به‌عنوان مثال در آیه ۲۹ سوره «ص» قرآن کتابی مبارک عنوان شده که وسیله‌ی تذکر و تدبیر (تعقل) خردمندان است:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾

این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند. (ص/۲۹)

در آیه ۱۰ «طلاق» نیز قرآن کتاب تذکر برای خردمندان شمرده شده است:

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴿١٠﴾

خداوند عذاب سختی برای آن‌ها فراهم ساخته؛ پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید! زیرا خداوند چیزی را که مایه‌ی تذکر است بر شما نازل کرده است. (طلاق/۱۰)

۱۰- روش مثل و تشبیه در قرآن

قرآن کریم به‌منظور هدایت بشر و تأمین سعادت او برخی از دستورات راه‌گشای خود را با زبان تمثیل و در قالب مثل و قصه (تمثیلات قرآن) بیان نموده تا همگان بتوانند آن را درک نمایند. به عبارت بهتر، از آن‌رو که انسان در عالم ماده و محسوسات زندگی می‌کند و درک امور حسی ساده‌تر از مفاهیم عقلی است، خداوند برای بیان معارف الهی از مثال‌ها و قصه‌های تمثیلی استفاده کرده است. در واقع، در این کتاب آسمانی امور معنوی برای فهم همه انسان‌ها به امور ملموس و حسی تنزل داده شده است (Reza Zadeh and Shahroudi, 2012).

به‌عنوان مثال خداوند در آیات ۵۴ کهف و ۴۳ عنکبوت، به نقش تربیتی مثل اشاره فرموده و می‌فرماید:

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾ كهف/۵۴

و همانا در این قرآن برای مردم از هرگونه مثلی بیان کردیم؛ ولی انسان بیش از هر چیز به مجادله می‌پردازد (کهف/۵۴).

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَّاسٍ لِمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ ﴿٤٣﴾ عنکبوت/۴۳

و آن امثال را برای مردم می‌زنیم؛ ولی آن را جز عالمان نمی‌فهمند. (عنکبوت/۴۳)

همچنین قرآن کریم در مطرح کردن مسائل تربیتی و معارف بلند خود، گاهی از تمثیل و تشبیه استفاده می‌کند و با تشبیه مسائل غیرحسی به امور حسی، به مطلب عینیت و تجسم می‌بخشد تا فهم آن برای مخاطب آسان گردد.

در آیه ۴۱ سوره عنکبوت نیز افرادی که غیر خدا را ولی خود قرار داده‌اند به عنکبوت تشبیه شده‌اند که سست‌ترین خانه‌ها را دارد:

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾

مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده؛ درحالی که سست‌ترین خانه‌ها خانه‌ی عنکبوت است اگر می‌دانستند. (عنکبوت/ ۴۱).

۱۱- روش تبشیر و انذار در قرآن

ضرورت هدایت و راهنمایی انسان، ایجاب می‌کند پیامبران الهی در تبلیغ و دعوت خویش به شیوه‌ها و روش‌های مناسبی توجه کافی مبذول دارند که از جانب خداوند برای روح و روان پیچیده انسان مقرر شده است و با به‌کارگیری آن بر تربیت نفوس، فائق آیند؛ از جمله این روش‌ها "انذار و تبشیر" است که قرآن آن‌ها را دو رکن اساسی در رشد و تربیت نفوس، معرفی کرده است به طوری که خداوند سبحان که خود اولین منذر و مبشر عالم هستی است در آیات شریفه، هدف از فرستادن پیامبران را انذار و تبشیر بیان می‌کند؛ زیرا این دو اهرم تربیتی در کنار هم و به همراه یکدیگر موجب حفظ و هدایت و سرعت و شتاب مؤمنان در مسیر الی الله می‌شوند؛ بدین معنا که انذار با اعلان خطر کردن و تنبه و آگاهی دادن مؤمن و بر حذر داشتن او از تمایل به انحرافات و کژی‌ها، موجب حفظ و هدایت و تبشیر با ایجاد شوق و رغبت در رسیدن به مقصد، سبب شتاب و سرعت او در این راه می‌شود (Tabatabaei, 1995 by Sadeghzadeh and Banahan 2012).

طبق بررسی‌های به‌عمل آمده واژه‌ی تبشیر با مشتقاتش (بَشْر، مَبَشْرَات، استبشیر و ...) ۸۴ مرتبه در قرآن آمده که به دو معنا به‌کار رفته است: یکی تشویق و خبر خوش (وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا... بقره/ ۲۵) و دیگری تهدید به عذاب (مانند: فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ آل عمران/ ۲۵) انذار با مشتقاتش ۱۲۵ مورد در قرآن به‌کار رفته و به معنای تهدید است.

برخی از کارشناسان تعلیم و تربیت پس از آزمایش‌های دقیق روانی به این نتیجه رسیده‌اند که امید به تلاش، بیش از ترس از کیفر، آدمی را به یادگیری وامی‌دارد و تشویق، بیش از توبیخ موجبات پیشرفت علمی و تربیتی را فراهم می‌آورد. معلمان اگر بتوانند با روش صحیح، از نیروی تشویق استفاده‌ی زیادتری کنند، قطعاً در اجرای برنامه‌های آموزشی خود، بیشتر موفق خواهند بود؛ از این رو در قرآن نیز، هر جا بشارت در کنار انذار به‌کار رفته، بشارت مقدم شده است مگر در دو مورد، یکی آیه ۱۸۸ سوره اعراف و دیگری آیه ۲ سوره هود است و این مورد بیانگر تقدم بشارت بر انذار است، زیرا می‌دانیم که قرآن کلام خداست و خداوند حکیم جملات و کلمات و حتی حروف قرآن را در جای مناسب خود به‌کار برده است و بی‌جهت چیزی را مقدم و یا مؤخر نمی‌دارد و تقدم بشارت بر انذار در تمامی آیات مگر در دو مورد فوق یکی از شواهد مهم بر این اصل روانشناسی است (Specialized Center for Quran Interpretation and Science, 2012).

وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ يُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ مَا أَنْذَرُوا هُزُؤًا ﴿كهف/ ۵۶﴾

ما پیامبران را جز به‌عنوان بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده نمی‌فرستیم؛ اما کافران همواره مجادله به باطل می‌کنند تا (به گمان خود)، حق را به‌وسیله‌ی آن از میان بردارند؛ و آیات ما و مجازات‌هایی را که به آنان وعده داده شده است، به باد مسخره گرفتند (کهف/ ۵۶).

۱۲- روش مبتنی بر قصه‌گویی

قصه و داستان‌گویی مهم‌ترین وسیله و ابزار کتب آسمانی برای تبشیر و انذار بوده است. بدون تردید، طبع انسان به شنیدن و خواندن سرگذشت‌ها و قصه‌ها، رغبت و میل فراوان دارد و قرآن کریم، اولین کتابی است که نقل داستان‌های و سرگذشت‌های واقعی پیشینیان را در راه تربیت و ارشاد مردم به‌کار گرفته و از این میل و رغبت طبیعی، در راه هدایت آن‌ها بهره‌برداری کرده است. قرآن کریم همواره به‌عنوان چراغ روشنایی‌بخش راه سعادت بشری، نویدبخش بوده است و از راه‌های مختلف همچون: انذار، بشارت، وعده، وعید، تمثیل، توصیف، اخبار، حکایت و بیان قصه، در پی این بوده است که قاطبه انسان‌ها را به‌سوی راه سعادت ابدی هدایت کند. تاریخ و نقل سرگذشت پیشینیان و ذکر عاقبت آن‌ها و ذکر علت گرفتاری‌ها و شقاوت، یا راحتی و سعادت آن‌ها، تأثیر به‌سزایی در چگونگی طی این راه دارند. در دل قصه‌های قرآنی برشی از زندگی واقعی انسان در لحظه‌های خاص تاریخ نقش بسته است (Buzzelli and Al-Jafar, 2004).

در قرآن داستان‌هایی از پیشینیان و داستان‌هایی گوناگون از سرگذشت و سرنوشت پیامبران آمده که نام بیست‌وپنج پیامبر در ضمن این داستان‌ها ذکر شده است. پیامبرانی مانند: آدم، نوح، ادریس، هود، صالح، ابراهیم، اسماعیل، یوسف، سلیمان، موسی، عیسی و محمد (ص). درباره تعداد داستان‌های قرآن، اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی چون «ابواسحاق نیشابوری» تعداد داستان‌های قرآن را تا ۱۱۶ قصه برشمرده‌اند. بیشترین داستان‌های قرآن درباره حضرت موسی و قوم بنی‌اسرائیل و فرعونیان است. پس‌از آن داستان‌های حضرت ابراهیم و حضرت عیسی و مادرش بیشتر از سایر قصه‌ها، تکرار شده‌اند.

جدول (۱): شیوه‌های متداول تدریس از منظر قرآن کریم

شیوه‌های متداول تدریس از منظر قرآن کریم	روش‌های فعال، روش‌هایی است که در آن بر
روش تفکر	روشنی دانش آموزان تأکید می‌شود و
روش پرسش و پاسخ	فعالیت دانش آموزان در جریان آن نقش فعالی بر عهده
مباحثه (بحث گروهی)	دارند، به بحث می‌پردازند. در این جریان تعامل
روش ایفای نقش	دوطرفه بین معلم و شاگرد وجود دارد.
گردش علمی و تفحص گروهی	
روش آزمایشگاهی	

روش‌های غیرفعال، روش‌هایی است که در آن فقط معلم نقش فعالی را در جریان تدریس به عهده دارد و مطالبی را که از قبل تعیین شده است به‌طور شفاهی در کلاس بیان می‌کند و دانش آموزان در این میان واکنش چندانی از خود نشان نمی‌دهند.	یادسپاری روش نمایشی روش مبتنی بر تذکر و موعظه روش مثل و تشبیه روش تبشیر و انذار روش مبتنی بر قصه‌گویی	روش‌های غیرفعال تدریس
--	--	--------------------------

بحث و نتیجه‌گیری

امیرالمؤمنین، امام علی (ع) درباره‌ی قرآن کریم این صحیفه‌ی نورانی و کلام پرفروغ الهی فرموده است: «قرآن نوری است که در آن تاریکی یافت نمی‌شود و چراغی است که درخشندگی آن زوال نمی‌پذیرد؛ ریسمانی که رشته‌های آن محکم و پناهگاهی که قله‌ی آن بلند است؛ پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید»؛ پس در سختی‌ها از قرآن یاری طلبید و خواسته‌های خود را به‌وسیله‌ی قرآن طلب کنید و با دوستی قرآن به خدا روی آورید؛ زیرا وسیله‌ای برای تقرب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد. در واقع، بشر همیشه نیازمند قرآن است؛ زیرا قرآن، یکتا معلم و مربی همه انسان‌ها و ضامن تربیت و سعادت آن‌هاست. ملاحظه‌ی آیات قرآن که سخن خداوند است، آشکار می‌کند که کلمات و جملات در آن، سرسری گرفته نشده، بلکه به زیباترین هیأت از آن‌ها استفاده شده است. آیاتی که در آن‌ها، هم‌سخن آهنگین و دلکش است و هم معنا برجسته و متعالی است. روش‌های متداول در تربیت به‌طور غالب، تلفیقی از چند روش مختلف است. خداوند متعال، در قرآن شریف که کتاب هدایت و تربیت است و برای تربیت انسان نازل شده است؛ روش‌های متعددی را برای تربیت انسان سفارش کرده و یا به‌کار گرفته است.

منظور از روش‌های تدریس همه فعالیت‌ها و تدابیری است که معلم برای مدیریت فرایند یاددهی-یادگیری تدارک می‌بیند؛ تا این فرایند با سرعت و سهولت انجام گیرد. مکتب تربیتی قرآن، شاگرد را محور و معلم را زمینه‌ساز رشد و تکامل او می‌داند و راهنمای شاگرد به‌سوی کمالی است که شایستگی آن را دارد. خداوند در آیه ۱۲۹ سوره بقره در ارتباط با این نظریه تربیتی می‌فرماید: رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۲۹﴾. پروردگارا! در میان آن‌ها پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و آن‌ها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار، قادری)؛ معلم، علاوه به ضرورت خودساز و ی بازسازی شخصیت خویش قبل از اقدام به پرورش و شکوفائی شاگردان آگاهی داشته باشد.

در منظر تربیتی اسلام، رابطه معلم و شاگرد براساس تعامل مبتنی بر رعایت حقوق متقابل استوار می‌شود. خداوند در آیه‌ی ۶۶ سوره کهف در ارتباط با این موضوع می‌فرماید: «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعَكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا ﴿٦٦﴾». موسی (ع) به او (خضر) گفت: آیا (اجازه می‌دهی) از تو پیروی نمایم تا از آنچه برای رشد و کمال به تو آموخته‌اند، به من بیاموزی؟

در این مکتب معلم باید در قبال شاگردان، قائل به روابط انسانی مبتنی بر شناخت حق آنان بوده و با تکیه بر چنین معرفتی، خود را نه تنها انتقال‌دهنده دانش ندانسته، بلکه سرپرست و حافظ حقوق آن‌ها بداند و نیز معترف به این حقیقت باشد که اگر با آنان رفتاری درخور منزلت در پیش گیرد، خدای متعال از فضل خود علم او را بیفزاید؛ و در چنین صورتی که معلم مظهر ارزش‌ها باشد و به شاگردان مهر ورزد، قادر است شور و اشتیاق آنان را برانگیزد و وظیفه معلمی را به تمام و کمال ایفا کند.

با توجه به آیات قرآن کریم معلم باید با شاگردان خود به نرمی رفتار کند و از هرگونه سخت‌گیری و شدت عمل پرهیز کند؛ چراکه این عمل موجب پیدایش اضطراب در کودک می‌شود و رکود فعالیت‌های ذهنی را به دنبال دارد. خداوند به حضرت موسی (ع) و هارون می‌فرماید: به نزد فرعون سرکش بروند؛ اما با نرمی سخن گویند شاید که پند پذیرند. مریبان مسلمان از جمله امام محمد غزالی معتقدند که یکی از بهترین شیوه‌ها تأدیب دانش‌آموز در مورد خطاها و بدرفتارهایی که دارد اشاره غیرمستقیم به این خطاهاست، زیرا صراحت در گوشزد کردن این خطاها موجب جریحه شدن خطا کار می‌شود که وی به درس و معلم علاقه‌مند شود. همچنین با تدبر در آیات قرآن کریم، تدریس باید با سن زمانی و عقلی و همچنین درجه رشد و استعداد شاگردان هماهنگ باشد. خداوند در آیه ۱۱۸ سوره هود در ارتباط با این موضوع می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾»؛ و اگر پروردگارت می‌خواست، همه مردم را یک امت (بدون هیچ‌گونه اختلافی) قرار می‌داد، ولی آن‌ها همواره مختلف‌اند. یک نوع اختلاف، اختلاف طبایع است که گریزی از آن نیست و به اختلاف بنیه‌ها منجر می‌شود. اختلاف در ترکیبات بدنی افراد سبب اختلاف در استعدادهای بدنی و روحی می‌شود و با انضمام اختلاف محیط، اختلاف سلیقه‌ها، سنن، آداب، مقاصد و اعمال نوعی و شخصی در جوامع انسانی پدید می‌آید که اگر این اختلاف‌ها نبود، بشر حتی یک چشم بر هم زدن هم قادر به زندگی نبود.

همچنین خداوند در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره فاطر در ارتباط با تفاوت‌های فردی می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٌ* وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿٢٧﴾ وَ ﴿٢٨﴾».

آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که بوسیله آن میوه‌هایی رنگارنگ [از زمین] خارج ساختیم و از کوه‌ها نیز [به لطف پروردگار] جاده‌هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگ‌های مختلف

و گاه به رنگ کاملاً سیاه؛ و از انسان‌ها و جنبنندگان و چهارپایان انواعی با رنگ‌های مختلف، [آری] حقیقت چنین است: از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند خداوند عزیز و غفور است. در میان روش‌های مختلف تدریس روش مباحثه و مناظره در تربیت اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. مربیان مسلمان معتقدند که مباحثه و مناظره در مسائل علمی، یادگیری و فهم عمیق و همه جانبه علوم کمک می‌کند و قدرت بیان و بررسی افکار و عقاید شخصی را فزونی می‌دهد. این روش مؤثر سال‌هاست که در حوزه‌های علمی اسلامی مورد استفاده است و شخصیت‌های برجسته علوم اسلامی قدرت و مهارت خود را در بیان عقاید و تدریس دروس مختلف مرهون تربیت به این شیوه تدریس از سوی استادان می‌دانند. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت، اسلام قرن‌ها پیش در قرآن کریم، بسیار جلوتر از پیشوایان و متفکران غربی، به اصول و پایه‌های اساسی تربیت توجه کرده و آن‌ها را به همه مربیان و معلمان توصیه کرده است.

با توجه به آنچه بدان اشاره شد می‌توان گفت، در فرایند فعالیت‌های آموزشی، معلمان و مدیران مدارس عناصر اصلی و کلیدی تحول نیروی انسانی محسوب می‌شوند؛ بنابراین باید از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار باشند. مربیانی در امر آموزش کارآمد و اثربخش‌اند که با نظریه‌ها، مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت آشنا باشند و با بینشی هنرمندانه و اقتضایی، محیطی را فراهم سازند که به‌جای انتقال اطلاعات و تحمیل اندیشه، احساس امنیت، شایستگی، خودکنترلی و خود تحولی را در فراگیران تقویت کنند تا آن‌ها بتوانند خودشان معمار تعلیم و تربیت خود باشند. این در حالی است که بسیاری از شیوه‌های آموزشی موردقبول، متأثر از روش‌های تدریس گذشته و مبتنی بر دیدگاه‌های سنتی هستند که به‌طور اساسی، تدریس را عمل «بیان» و عرضه‌ی واقعیت‌ها و اطلاعات به فراگیران قلمداد می‌کنند؛ اما آموزش سنتی به‌صورت عرضه‌ی نظام‌های درسی مستقل و مجزا، نمی‌تواند جوابگوی نیازهای آموزش در قرن بیست و یکم باشد. با توجه به اهمیت آموزه‌های قرآنی در رسیدن انسان به هدف نهایی خلقت و حیات طیبه، قرآن به‌عنوان اولین و مهم‌ترین ارزش‌های تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی بیان گردیده است. به‌طوری‌که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، در رابطه با تعلیم و تربیت و مهم‌ترین هدف تربیتی چنین آمده است. «تعلیم و تربیتی که تحقق‌بخش حیات طیبه، جامعه‌ی عدل جهانی و تمدن اسلامی باشد و تربیت دانش‌آموختگانی آگاه، متعهد، مؤمن و مزین به کمالات و فضایل اخلاقی و انسانی» مهم‌ترین هدف تربیتی یک جامعه‌ی اسلامی است و این امر با به‌کارگیری دستورات و روش‌های تربیتی اصیل اسلامی قرآن کریم امکان‌پذیر خواهد شد.

References:

- Holy Quran*. [in Arabic]
- Abbasnejad, M. (2011). *History of Education in Islam* (Quran; Psychology and Educational Sciences), Publications in the field and university. [In Persian]
- Al-Jafar, A., & Buzzelli, C. A. (2004). *The Art Of storytelling for Cross Cultural understanding*. International Journal of Early Childhood, 36(1):35-48.
- Athar, O., Haghjoe Joymand, Sh., Haqqani, F. (2014). The Effect of Memory Modeling on Academic Achievement in Nursing Students' Physiology Course in Isfahan University of Medical Sciences. *Iranian Journal of Medical Education / April*, 14 (1): 15 - 22. [In Persian]
- Bagherinia, H. (2014). Educational Method of Preaching: Challenges and Injuries with Emphasis on Quranic Teachings. *Quranic Education Research Journal, Vol.* [In Persian]
- Barkhoda, S, J., Barari, N., Razaeezadeh., M., & KHorasano., A. (2017). An Evaluation of the compliance of activities and teaching methods in elearning Courses with learning theories. *Journal of Research in Teaching, 5(4)*” 17-31.
- Fathi Azar, A. (2017). *Teaching Methods and Techniques*, Tabriz: Tabriz University Publications. [In Persian]
- Fotouhi, B. (2012). “A Study on the Application of Quran Teaching Methods in Elementary School from the Viewpoint of Teachers in Asadabad”MA Thesis, Bu-Ali Sina University, Hamadan. [In Persian]
- Kalantari, E. (2007). Thinking and its sources from the point of view of the Holy Qur'an. *Modern Religious Thought, third year. 11(23)*: 47. [In Persian]
- Khodam, L. (2010). In the style of the Qur'an: The methodology of the Holy Qur'an in teaching monotheism in the style of Q&A. *Quran Education Development Magazine. 29*: 50-55. [In Persian]
- Khoram dell, M. (2005) *Tafsir Noor*, Tehran, Ehsan Publication.
- Managheb, S. E., & Mosali Nejad, N. (2011). Comparison of two methods of role playing and group discussion on interns performance of Jahrom University of Medical Sciences in the field of bad news transmission. *Iranian Journal of Medical Education / February 2011; 7 (7)* 789-797. [In Persian]
- Mehr Mohammadi, M., & Mafaei, H. (2014). “Critique and Evaluation of National Curriculum Document”. Specialized Seminars of Islamic Education, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Motahhari, M. (1983). *Education in Islam*, Tehran: Al-Zahra Publications. [In Persian]
- Naghdi, A. (2010). “Teaching Methods and Behaviors of the Holy Quran, *Journal of Our Age of Spaceship*”, Second Edition, Teacher Training University of Azerbaijan. [In Persian]
- Reza Zadeh, N., & Shahroudi, F. (2012). A Search for the Types of Allegations in the Parables and Tales of the Holy Qur'an. *Twenty-first Year Annals;. 180*. [In Persian]
- Robson, J. (September 2004) *Active teaching and learning strategies* [on – line] available <http://www.gre.ac.uk/bj61/talessi/at.htm/>

Sadeghzadeh, A., & Banahan, M. (2012). A Educational Approach to the Verses of Warning and Evangelism. *Research in Islamic Education Issues*, Twentieth Year, 14: 22-7. [In Persian]

Safavi, A. (2014). *Teaching Methods and Techniques*, Tehran: Contemporary Publishing. [In Persian]

Sangari, M. (2004). *Educational Design of Farsi First Elementary School (read and write)*, Tehran, School Publications. [In Persian]

Shaabani, H. (2016). *Teaching Skills Teaching Methods and Techniques*, Tehran, Samt Publications. [In Persian]

Tabatabaei, S, M. (2002). *Tafsir al-Mizan*, Qom Islamic Publications Office. [In Persian]

Tony, N., & Yousefi, R. (2013). Comparison of the Effect of Group Discussion-Based Teaching and Direct Control-Based Teaching on Academic Achievement of Preschool Students. *Journal of Yazd University of Medical Sciences Education Development Studies Eighth*, 4(12) 92. 56-64. [In Persian]